

نقد ترجمه عربی مرزبان‌نامه براساس نظریه آنتوان برمن

۱- آرزو پوریزدان‌پناه کرمانی - ۲- وصال میمند -

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد، یزد، ایران

۲- دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد، یزد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵)

چکیده

ترجمه یکی از راه‌های ایجاد تعاملات فرهنگی بین ملت‌ها است. در این میان، وظیفه مترجم ارائه ترجمه‌ای صحیح و درست است. نظریه پردازان ترجمه الگوها و مدل‌های متفاوتی را برای ارزیابی ترجمه‌ها ارائه کرده‌اند. ارزیابی و سنجش ترجمه براساس مدل‌ها و الگوهای ارائه‌شده سطح کیفی متن ترجمه شده و ویژگی‌های مثبت و منفی آن را آشکار می‌سازد. از این رو، میزان مقبولیت ترجمه یک اثر ادبی زمانی مشخص می‌شود که طبق این الگوها مورد ارزیابی قرار گیرد. در این جستار، ترجمه عربی مرزبان‌نامه با عنوان «قصص الأمير المرزبان علی لسان الحيوان» براساس ۹ مورد از موارد نظریه سیستم تحریف متن «آنتوان برمن» با روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مترجم با وجود آشنایی با زبان فارسی گاه در فهم، دریافت و انتقال مطالب موفق نبوده است و با وجود تلاش‌های مترجم، شکاف معنایی و نارسایی در معادل‌گزینی در ترجمه وی به چشم می‌خورد. در میان مؤلفه‌های مورد بررسی، دو مؤلفه غنازدایی کمی و کیفی بیشترین بسامد و مؤلفه تخریب ضرباهنگ کلام کمترین بسامد را داشته است. علت اصلی این امر و فاصله گرفتن مترجم از متن اصلی را باید در نوع متن مبدأ و جنبه ادبی و فنی آن و عدم اشراف و تسلط کامل مترجم بر زبان فارسی دانست.

واژگان کلیدی: نقد ترجمه، مرزبان‌نامه، قصص الأمير المرزبان علی لسان الحيوان، آنتوان برمن، تحریف متن.

مقدمه

«مرزبان‌نامه» یکی از آثار ارزنده نثر فنی است. اصل آن را «مرزبان بن رستم بن شروین» از شاهزادگان آل باوند در اواخر سده ۴ قمری به زبان قدیم طبرستان نوشته است. نخستین بار «محمد بن غازی الملطیوی»، وزیر شاه سلیمان بن قلیج ارسلان (۵۸۸ - ۶۰۰ ق) از سلاجقه روم، ترجمه مرزبان‌نامه را به زبان فارسی دری در ۵۹۸ ق به پایان برد و آن را «روضه العقول» نامید (حاکمی، ۱۳۶۴: ۸۴). پس از آن «سعدالدین وراوینی»، نویسنده و ادیب ایرانی، بی‌آنکه از کار ملطیوی باخبر باشد، میان سال‌های ۶۰۷ تا ۶۲۲ ق آن را به نام ربیب‌الدین در ۹ باب، یک مقدمه و یک ذیل به فارسی دری برگردانید (صفا، ج ۲، ۱۳۴۷: ۱۰۰۵).

مرزبان‌نامه وراوینی از جمله شاهکارهای ادب فارسی در نثر مصنوع و مزین به شمار می‌رود (حاکمی، ۱۳۶۴: ۸۵). نثر این کتاب آراسته به صنایع لفظی و معنوی و اشعار تازی و پارسی است و از لحاظ شیوه نثرنویسی پیرو سبک نصرالله منشی در کلیله و دمنه است. مرزبان‌نامه تاکنون به زبان‌های انگلیسی، ترکی و عربی ترجمه شده است. نخستین بار، «ابن عربشاه» (۷۹۱ - ۸۵۴ هـ) در تقلیدی از مرزبان‌نامه، «فاکهة الخلفا و مفاکهة الظرفاء» را به زبان عربی به رشته تحریر درآورد (الفاخوری، ۱۳۸۳: ۶۳۵). اما ترجمه عربی این اثر با عنوان «قصص الأمير مرزبان علی لسان الحيوان» در سال ۲۰۰۰ میلادی توسط «یوسف عبدالفتاح فرج» ارائه شده است. وی این ترجمه را جهت مشارکت در «طرح ملی ترجمه» در مصر ارائه کرد. در سال ۱۹۹۶ میلادی، طرح ملی ترجمه در مصر با هدف ترجمه بهترین آثار در حوزه علوم انسانی به ویژه ادبیات و فرهنگ، جهت آشنایی عرب‌زبانان آغاز شد و تاکنون بالغ بر هزار عنوان از بهترین آثار خلق‌شده به زبان‌های مختلف به عربی ترجمه شده و به چاپ رسیده است. «عبدالفتاح فرج» علاوه بر ترجمه مرزبان‌نامه در ترجمه «فیه مافیه» مولانا نیز مشارکت داشته و ترجمه رمان «مشتی عشق» را نیز در کارنامه کاری خود دارد.

ظرفیت بیانی یک زبان بیش از هر چیز از خلال ترجمه متون ادبی نمود پیدا می‌کند. در واقع «مترجم متون ادبی با ترجمه سعی در آشنا کردن خواننده جامعه زبانی مقصد با دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌های تازه دارد که در متن مبدأ بیان شده‌اند و به علاوه خلأ وجود آن‌ها در جامعه زبانی مقصد احساس می‌شود» (حقانی، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

تفاوت‌های ساختاری و واژگانی همیشه مانع بزرگی بر سر راه ترجمه آثار ادبی بوده و ترجمه آثار ادبی همواره با مواردی از افزایش، کاهش، حذف و تغییر همراه بوده است. هدف غایی از ترجمه زمانی محقق می‌شود که تأثیر ترجمه بر خواننده زبان مقصد همان تأثیر متن اصلی بر خواننده متن اصلی باشد؛ یعنی متن اصلی بدون کوچک‌ترین افزایش یا کاهش در صورت و معنی وارد زبان مقصد شود. اما مسأله اینجا است که هیچ پیامی را نمی‌توان بدون تغییر در صورت و معنی به زبان دیگر منتقل کرد (صفوی، ۱۳۷۱: ۹).

برای ارزیابی کیفیت ترجمه، سنجش آن براساس الگوها و مدل‌های ارائه شده در زمینه نقد ترجمه امری ضروری است. از این رو، الگوهای متعددی برای ارزیابی ترجمه ارائه شده و از دیرباز تاکنون مفهوم ترجمه و روش‌های انجام آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. سیسرون^۱ و سنت آگوستین^۲ از نخستین افرادی هستند که با ارائه تعاریفی از ترجمه به این مهم پرداخته‌اند، اما ارائه الگوهای ارزیابی ترجمه را باید رهاورد علم زبان‌شناسی دانست. با ظهور علم زبان‌شناسی و نیز تأثیر آن در چارچوب نظری ساخت‌گرایی، ترجمه دستخوش تغییر و تحولاتی شد و به تبع آن نظریه‌های ترجمه به منظور تحلیل و ارزیابی ترجمه‌ها با روش نوین و علمی پدید آمد.

در حوزه ترجمه‌شناسی دو نگرش اصلی مطرح است؛ گروه نخست نظریه‌پردازان مقصد‌گرا هستند که به عقیده آن‌ها معنا باید به هر قیمتی منتقل شود (لطافتی، ۱۳۸۸: ۳۲).

1- Ciceron

2- Saint Augustin

چهره شاخص و برجسته این گروه لادمیرال^۱ است. وی بر این باور است که محدود کردن ترجمه به رمزگردانی ساده، نادرست است و ترجمه باید با بازنویسی همراه باشد و مترجم در آن به تولید معنا یا آفرینش مجدد پردازد (لادمیرال، ۱۹۹۴: ۲۵). گروه دیگر نظریه پردازان مبدأگرا هستند که معنای زیبا را زاده فرمی زیبا می‌دانند و بر این باورند مترجم فقط با وفادار بودن به فرم می‌تواند معنا را انتقال دهد. در رأس این گروه آنتوان برمن^۲ قرار دارد. به عقیده وی در ترجمه هر متن بیگانه باید حالت غریبگی‌اش را در زبان مقصد حفظ کرد و نباید در ترجمه تغییراتی به نفع زبان مقصد ایجاد کرد؛ زیرا معنا از طریق صورت انتقال می‌یابد (برمن، ۱۹۹۹: ۴۵). از دیگر نظریه‌های پرطرفدار در قرن بیستم می‌توان به نظریه نایدا^۳ اشاره کرد که براساس زبان‌شناسی گشتاری شکل گرفت. به عقیده نایدا «تأثیر متن ترجمه شده بر مخاطب همانند تأثیر متن اصلی بر خواننده مبدأ باید باشد» (Nida, 1969: 130). از این رو، نایدا در فرآیند ترجمه به پیام، مخاطبین، جنبه‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی توجه فراوانی دارد. نایدا نظریه خود را با هدف رفع مشکلات ترجمه کتاب مقدس به زبان‌های مختلف مطرح نمود و مفاهیم جدیدی را در چارچوب ترجمه متون وحی به کاربرد.

دیگر نظریه پرطرفدار این عصر، نظریه پیتر نیومارک^۴ است. نیومارک در الگوی پیشنهادی خود تکیه فراوانی بر ترجمه عناصر فرهنگی در متن دارد (نیومارک، ۱۳۷۰: ۶۹). همچنین پُل گرایس^۵ اصولی را برای دستیابی به گفت و گوی مطلوب معرفی کرد که طرفین کلام باید آن‌ها را رعایت کنند. اصول گرایس که در اصل به منظور دستیابی به یک گفت و گوی موفق طرح ریزی شده بود، ذیل مبحث تعادل ترجمه‌ای وارد علم مطالعات ترجمه شد (صلح‌جو، ۱۳۷۶: ۵۳). برخی از پژوهندگان این عرصه نیز به ارائه الگوهایی

-
- 1- Ladmiral
 - 2- Antoine Berman
 - 3- Nida
 - 4- Peter Newmark
 - 5- Paul Grice

ترکیبی روی آوردند که مهم‌ترین آن‌ها گارسس^۱ است. وی در الگوی خود به نظریات زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان ترجمه همچون پیتر نیومارک نظر داشته است. گارسس برای مقایسه شباهت‌های بین متن مبدأ و متن مقصد چهار سطح پیشنهاد می‌کند که به گفته خود او، گاهی این سطوح تداخل دارند (گارسس، ۱۹۹۴: ۷۹).

علاوه بر موارد یادشده الگوهای دیگری نیز وجود دارد که به علت تنگی مجال در این پژوهش پرداختن به همه آن‌ها امکان‌پذیر نیست. هرچند که نمی‌توان با قاطعیت از برتری نظریه‌ای در ترجمه ادبی سخن گفت، اما از آنجا که بیشتر نظریه‌های ترجمه به نوعی نظریه‌پردازی در جهت از بین بردن لفظ برای حفظ معنا هستند، می‌توان مرتبه‌ای بالاتر برای نظریه‌های مبدأگرا در نظر گرفت؛ از آن جهت که پای شکل در میان است. با توجه به اینکه «برمن» نظریه‌پردازی مبدأگرا است و بر متن مبدأ بیشتر تأکید دارد و متن منتخب مترجم؛ یعنی مرزبان‌نامه، متنی ادبی است در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از الگوی پیشنهادی «برمن» به عنوان الگو و مدلی جامع که می‌تواند نتیجه دقیق‌تری ارائه‌دهد به نقد ترجمه و بررسی کیفیت و مقبولیت آن و نیز بررسی نحوه عملکرد مترجم و امانت‌داری وی پرداخته شده است.

۱. روش پژوهش و بیان مسأله

مرزبان‌نامه جزء متون بسیار مهم کهن فارسی است و پس از کلیله و دمنه از برجسته‌ترین آثار انشاشده در نثر فنی به‌شمار می‌آید. نثری که در آن مفردات و ترکیبات دشوار عربی به وفور دیده می‌شود؛ «وراوینی» در مرزبان‌نامه کوشیده است تا خواننده را از طولانی‌ترین راه به مقصد برساند. هرچند جانب معنی را هم از نظر دور نداشته است. او به گونه‌ای کلمات را کنار هم می‌چیند که اگر کلمه یا ترکیبی از محل خاص خود برداشته یا مترادفی به جای آن آورده شود، افزون بر لفظ، رشته پیوسته معانی از هم می‌گسلد. با توجه به آنچه بیان شد

برگرداندن مرزبان‌نامه به زبان عربی کاری سهل و همچنین دشوار است. وفور لغات عربی در نثر این کتاب، مترجم را در بیشتر موارد از معادل‌یابی بی‌نیاز کرده، اما بُعد ادبی، چینش کلمات، انسجام و پیوستگی آن‌ها در خلق معنی در پاره‌ای از موارد، کار را بر مترجم دشوار و غیرممکن ساخته است. همان‌طور که پیش از این بیان شد در نقد متون ادبی ترجمه شده نظریه‌های متعددی وجود دارد و از آنجا که کاربست نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه «آنتوان برمن» در نقد چنین متونی، حکایت از قابلیت استعمال آن در ترجمه‌های ادبی دارد، این نظریه به عنوان چارچوب نظری تحقیق انتخاب شده است.

در این پژوهش سعی بر آن است که ترجمه «یوسف عبدالفتاح فرج» از مرزبان‌نامه براساس عوامل تحریف متن «آنتوان برمن» مورد نقد و تحلیل قرار گیرد. از آنجا که نظریه «آنتوان برمن» در اصل برای بررسی ترجمه‌های فرانسه و انگلیسی نگاشته شده و برخی از مؤلفه‌های آن برای تحلیل میان دو زبان دیگر ناکارآمد است، از این رو، در این پژوهش مؤلفه‌هایی که قابلیت انطباق بیشتری روی ترجمه «عبدالفتاح فرج» داشته با روش تحلیلی-توصیفی مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از انجام این پژوهش یافتن پاسخی درخور برای سؤال‌های زیر است:

- ۱- بنا به نظریه گرایش‌های ساختارشکنانه «آنتوان برمن»، «یوسف عبدالفتاح فرج» تا چه اندازه در ترجمه خود به متن مرزبان‌نامه وفادار بوده است؟
- ۲- مؤلفه‌های نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه «آنتوان برمن» تا چه اندازه در ترجمه «عبدالفتاح فرج» نمود پیدا کرده است؟

۲. پیشینه پژوهش

برخی از پژوهش‌هایی که در آن‌ها با تکیه بر نظریه «آنتوان برمن» به نقد ترجمه پرداخته شده است، عبارتند از: مقاله «نقد و بررسی ترجمه عربی گلستان سعدی براساس نظریه آنتوان برمن» (۱۳۹۵) از علی‌افضلی و عطیه یوسفی. در این پژوهش کتاب الجلسان

الفارسی اثر جبرائیل المخلّع براساس هفت مؤلفه از مؤلفه‌های تحریف متن از دیدگاه برمن بررسی شده است. همچنین مقاله «نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج البلاغه براساس نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنازه آنتوان برمن» نوشته شهرام دلشاد و همکاران (۱۳۹۴) که ترجمه سید جعفر شهیدی از نهج البلاغه را با تکیه بر چهار مؤلفه عقلایی‌سازی، اطناب کلام و آراسته‌سازی نقد و بررسی کرده است. محمدرضا صمیمی در مقاله «بررسی ترجمه داستان تپه‌هایی چون فیل‌های سفید براساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن» (۱۳۹۱) داستان یادشده را از چهار منظر عقلایی‌سازی، اطناب کلام، تفاخر‌گرایی و تخریب شبکه معنایی مستتر مورد تحلیل قرار داده است. همچنین مقاله «نقش وفاداری به یک نویسنده در ترجمه» (بررسی مقابله‌ای ترجمه قاسم روبین از آثار مارگریت دوراس) (۱۳۹۰) به قلم مریم کریمیان و منصوره اصلانی به تطبیق هفت مورد از عوامل تحریف متن آنتوان برمن بر ترجمه قاسم روبین از رمان‌های دوراس پرداخته و میزان وفاداری و عدم وفاداری مترجم را مورد ارزیابی و سنجش قرار داده است.

غلامرضا افراسیابی در مقاله «مرزبان‌نامه نکته‌هایی تازه پیرامون تألیف، ترجمه و تحریر روضه العقول محمدغازی ملطیوی و مرزبان‌نامه سعدالدین وراوینی» (۱۳۸۲) به بحث و انتقاد درباره دو تحریر فارسی دری مرزبان‌نامه و متن عربی آن؛ یعنی فاکهه الخلفاء و مفاکهه الظرفاء پرداخته و با آوردن نمونه‌هایی از آن‌ها، فاکهه الخلفاء را از نظر لفظ و معنا بر روضه العقول و مرزبان‌نامه ترجیح داده است. براساس جست‌وجوی انجام شده، تاکنون هیچ‌گونه پژوهش مستقلی به زبان‌های عربی و فارسی در مورد معرفی ترجمه عربی «یوسف عبدالفتاح فرج» از مرزبان‌نامه با عنوان «قصص الأمير المرزبان علی لسان الحيوان» یا نقد و بررسی آن انجام نشده است.

۳. بحث

«آنتوان برمن» (۱۹۹۱ - ۱۹۴۲) از نظریه‌پردازان مبدأگرایی در ترجمه است که با وجود تألیفات اندک، تأثیر فراوانی بر نقد و مطالعات ترجمه داشته است. او در جایگاه مترجم و نظریه‌پرداز، توجه ویژه‌ای به متن اصلی دارد و به وفاداری مترجم در ترجمه معتقد است. نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنا» وی رهاورد عوامل گرایش به سمت مبدأگرایی از جمله قوم‌مداری از آن خود ساختن و بیگانه‌زدایی است (ماندی، ۱۳۸۹: ۳۲۴). او در این نظریه، مترجم را به وفاداری دعوت می‌کند و چنین نظر دارد که باید از هرگونه «مقدّس‌شماری زبان مادری» خودداری کرد. وی مجموعه عواملی را که باعث ایجاد فرآیند بیگانه‌زدایی می‌شود، برمی‌شمرد و از مترجم می‌خواهد که از این تحریف‌ها بپرهیزد و در ترجمه از جهت سبک و محتوا به متن مبدأ پایبند باشد (برمن، ۱۹۹۹: ۷۴).

«آنتوان برمن» معتقد نیست که ترجمه باید به طور کلی به متن مبدأ مقید باشد؛ زیرا اصولاً ترجمه، یک عمل زایشی و ادبی است و شخصیت و سبک مترجم در آن، خواه ناخواه بروز می‌یابد، اما آن‌چه ضروری می‌نماید، این است که او باید بنا به اصول اخلاقی به متن وفادار باشد. از این رو، طبق نظر «برمن» که نظریه‌ای اصولی است و امکان مقایسه میان ترجمه و متن اصلی را فراهم می‌آورد، متن باید از عوامل تحریف‌ساز یا ساخت‌شکنا تا حد امکان به دور باشد و مترجم با پذیرفتن متن بیگانه سعی کند آن را بدون خدشه و تغییری به زبان مقصد منتقل کند.

«برمن» هرگونه حذف، افزایش، تغییر در سبک نویسنده، تغییر ساختار زبان، اطناب کلام و حتی تغییر در نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی را تحریف متن اصلی شمرده و از آن به عنوان سیستم تحریف متن یاد می‌کند. این سیستم از ۱۲ مؤلفه تشکیل شده است که عبارتند از: عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب‌سازی، غنازدایی کمی، غنازدایی کیفی، تفاخر‌گرایی، همگون‌سازی متن، تخریب ضرباهنگ، تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در

متن، تخریب یا بومی‌سازی شبکه‌های زبانی زبان‌های محلی، تخریب سیستم زبانی، تخریب اصطلاحات (احمدی، ۱۳۹۲: ۱). پرهیز از مؤلفه‌های یادشده موجب سلامت فرآیند ترجمه می‌شود؛ سلامت از این نظر که اثر ترجمه‌ای را با کمترین ریزش‌های فرهنگی مواجه می‌کند.

نقد ترجمه آن‌گونه که «برمن» ارائه می‌دهد، حاصل خوانش و تفکر و بسیار نزدیک به نقد ادبی است. «برمن» معتقد است که «نظریه وی جهانشمول بوده و قابلیت کاربرد در همه زبان‌ها را دارد» (احمدی، ۱۳۹۲: ۱) و با کاربست نظریه وی می‌توان به میزان وفاداری مترجم دست یافت. همچنین نظریه «برمن»، یکی از کاربردی‌ترین نظریه‌ها برای سنجش متون ادبی است. البته باید گفت که با توجه به تفاوت‌های فرهنگی-اجتماعی و گفتمانی، پایبند بودن به عقیده «برمن» در تمامی موارد بسیار دشوار می‌نماید (مهدی‌پرو، ۱۳۸۹: ۶۳). از این رو، پاره‌ای از مؤلفه‌های نظریه «برمن» در ترجمه به برخی زبان‌ها کاربردی و عملی نیست. در ادامه به بررسی ۹ مؤلفه از نظریه مذکور پرداخته خواهد شد که به گونه‌ای بارز در متن تحلیلی نمایان بوده‌اند.

۳-۱. عقلایی‌سازی

عقلایی‌سازی به ایجاد تغییر در ساختار نحوی و شیوه علامت‌گذاری متن مبدأ مربوط می‌شود. در این صورت، مترجم با توجه به نظم گفتمان مقصد، جملات و زنجیره جملات را بازتولید و مرتب می‌کند و به نظم درمی‌آورد. «برمن» معتقد است که نشر از قبیل رمان، رساله و... به دلیل برخورداری از تکرار، تعدد جملات موصولی و معترضه، جملات بلند و جملات بدون فعل، ساختاری شاخه‌شاخه دارد و مترجم با عقلایی‌سازی، این ساختار شاخه‌شاخه را به ساختار خطی تبدیل می‌کند؛ به عنوان مثال، مترجم برای جملاتی که در متن مبدأ بدون فعل‌اند، فعل می‌آورد. جملات بلند را کوتاه می‌کند و به اصطلاح، جملات

را می‌شکند و یا جملات معترضه را جابه‌جا و یا اضافه و کم می‌کند. در حقیقت، «برمن» فرآیند عقلایی‌سازی را تحریفی در متن اصلی قلمداد و آن را رد می‌کند (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۹). عقلایی‌سازی زمانی نادرست خواهد بود که به متن اصلی آسیب بزند.

در ترجمه عربی مرزبان‌نامه، موارد اندکی از عقلایی‌سازی به چشم می‌خورد؛ به عنوان مثال، در متن مرزبان‌نامه چنین می‌خوانیم: «هر دو به مزید قربت از دیگر خواصّ خدم مرتبه تقدّم یافته و مشیر و محرم اسرار مملکت گشته» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۲۸۱) که مترجم متن فوق را این‌گونه به عربی برگردانده است: «و قد نال كلاهما - دون سائر خواص الملك من الخدم - مرتبة التقدم، وصارا مستشارين له ومحرمي أسرار المملكة» (فرج، ۲۰۰۰: ۱۷۲). در این عبارت، مترجم ساختار جمله نخست را درهم شکسته است. در این جمله دو متمم قیدی وجود دارد که مترجم «به مزید قربت» را که بیان‌کننده علت وقوع فعل است، حذف و «از دیگر خواص خدم» را به یک ترکیب معترضه تبدیل کرده است.

ترجمه پیشنهادی: «وقد نال كلاهما مرتبة التقدم بفضل التقرب دون سائر الخدم الخواص، وأصبحا له مستشارين ولأسرار المملكة وليجتنين».

در بخش دیگری از مرزبان‌نامه آمده است: «هر وارد که آن منبع لذات روحانی و مرتع آمال و امانی بیند و در آن مسرح نظر راحت و مطرح مفارش فراغت رسد، نسیئه موعود بهشت را در دنیا نقد وقت یابد» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۴۵۹). در عبارت یادشده، واژه «مَسْرَح» اسم مکان است از سرح و به معنای چراگاه و گردشگاه است (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه) و نظر راحت استعاره مکنیه و به معنای دیده آسایش است. همچنین مَطْرَح اسم مکان و به معنای جایگاه گستردن بوده (فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه) و مفارش جمع مفرش به معنای بستر که با اضافه شدن فراغت به آن اضافه‌ای تشبیهی در کلام به وجود آمده است.

«یوسف عبدالفتاح فرج» عبارت یادشده را این‌گونه ترجمه کرده است: «فکل وارد یراها منبعاً للذات الروحانية و مرتعاً للآمال والأمانی، ویسرح فیها نظر الراحة، ویطرح

مفارش الفراغ، وینقد فیها فی الحال نسیئة الجنة الموعودة» (فرج، ۲۰۰۰: ۲۷۶). چنان‌که از متن مرزبان‌نامه برمی‌آید جمله نخست عبارت یادشده در توصیف آن مکان آمده‌است، اما در ترجمه «یوسف عبدالفتاح» (فکل وارد یراها منبعا)، عبارت به گونه‌ای آمده که گویا آن مکان این ویژگی را ندارد و واردشونده باید آن را چنین ببیند. در این عبارت، مترجم «مسرح نظر راحت» و «مطرح مفارش فراغت» را به صورت دو جمله جداگانه در آورده است. این در حالی است که نویسنده از این دو عبارت به عنوان توصیفی برای آن جایگاه استفاده کرده و سجع بین کلمات مسرح و مطرح، راحت و فراغت بر آهنگ کلام افزوده است، اما مترجم با عقلایی‌سازی هم معنای کلام را دگرگون ساخته و هم از آهنگ کلام کاسته است.

ترجمه پیشنهادی: «کل وارد یری ذلك المنبع للذات الروحانية والمرتع للآمال و الأمانی، ونال فيه مسرح نظر الراحة ومطرح فراش الفراغة، وجد فی الدنيا الجنة الموعودة نقداً»

نمونه دیگر عقلایی‌سازی را می‌توان در ترجمه عبارت «همیشه اندیشه آن کردی که این دو یار مختصرشکل که رجوع معظمات امور با ایشان است، روزی به تعرض منصب من متصدی شوند و کار وزارت بر من بشولیده کنند» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۲۸۱) مشاهده کرد. در ترجمه عبارت یادشده آمده است: «كان فی فكر دائم من هذين الرفیقین الضئیلین اللذین صار إليهما مرجع الامور، خشيبة أن يتصدیا يوماً له ولمنصبه، ويفسدا أمر الوزارة عليه» (فرج، ۲۰۰۰: ۱۷۲). در عبارت فارسی یادشده، وراوینی از صنعت التفات استفاده کرده است. التفات یکی از شگردها و آرایه‌های ادبی است که با برجسته‌سازی و شکستن هنجارهای معمول زبان، موجب آشنایی‌زدایی، تعجب و شگفتی خواننده و در نهایت التذاذ هنری می‌شود و نقش بسیار مؤثری در بیداری و جذب مخاطب دارد. این صنعت در بیشتر کتاب‌های بلاغی عربی و فارسی با عنوان انتقال گوینده از خطاب به غیبت و برعکس

تعریف شده است (همایی، ۱۳۸۴: ۲۹۳). در ترجمه عربی، مترجم از عقلایی‌سازی استفاده کرده و کلام را کاملاً به صورت غایب و سوم شخص ترجمه کرده است و با این کار سبب شده تا صنعت التفات از بین رود.

ترجمه پیشنهادی: کان یتفکر دائماً من هذین الرفیقین الضئیلین اللذین صارا مرجع معظمات الأمور فی أنهما یتعرضان یوماً لمنصبی و یفسدان أمر الوزاره علیّ.

۲-۳. شفاف‌سازی

«آنتوان برمن» شفاف‌سازی را یکی از عوامل تحریف متن اصلی قلمداد می‌کند. شفاف‌سازی بیان‌کننده مسائلی است که در متن مبدأ واضح نبوده یا به تعبیر دیگر، پنهان و سر بسته بیان شده و نویسنده قصد آشکار ساختن آن‌ها را نداشته است. در حقیقت، شفاف‌سازی «روشنگری در سطح معنایی است؛ در حالی که عقلایی‌سازی روشنگری در سطح ساختار نحوی بود» (مهدی‌پرور، ۱۳۸۹: ۵۹). از این رو، مترجم فطرتاً به واضح‌سازی گرایش دارد و دوست دارد لایه‌های پنهانی معنا را بازگشایی کند.

درباره این که شفاف‌سازی خوب است یا بد، «برمن» معتقد است «بهتر است خصوصیات، اصالت و غرابت متن اصلی حفظ شود. وی با ردّ هر گونه توضیح اضافه (شفاف‌سازی) بر این عقیده است که خلاقیت در ترجمه بایستی در خدمت بازنویسی متن اصلی به زبان دیگر قرار گیرد، نه ارائه ترجمه‌ای واضح و شفاف» (کریمیان و اصلانی، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

دو نوع از شفاف‌سازی در ترجمه عربی مرزبان نامه به چشم می‌خورد؛ در اکثر موارد، مترجم جهت رفع ابهام متن توضیحاتی را در پاورقی ارائه داده است که می‌توان این عمل مترجم را از محاسن این ترجمه به شمار آورد؛ چرا که شفاف‌سازی او در متن اصلی ترجمه نیست تا خواننده را از متن اصلی دور کرده و سبب عدم رعایت امانت‌داری در ترجمه

شود؛ مانند ترجمه این بخش از متن: «چنانکه صدر سعید جمال‌الدین خجندی، سقی الله عهده، در جواب نامه تازی که قاضی القضاة افضل‌الدین احمد بن عبد اللطیف التبریزی و هو البحر الغزیرُ أدباً و الحبرُ التحریرُ کلاماً و مذهباً فضلاً عن سائر العلوم بمرد به خدمت او فرستاد در ابداء عذر خویش به تعریض ذکر او می‌کند و به ورود نتایج فکر او که وقتی به اصفهان به خدمت صدر سعید صدر‌الدین خجندی فرستاده بود و او سه هزار دینار ضمیمه جواب آن گردانیده، افتخار می‌نماید...» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۱). مترجم عبارات یادشده را بدین صورت ترجمه کرده است: «مثلاً قال الصدر سعید جمال‌الدین خجندی - سقی الله عهد فی جواب رسالته العربیة إن قاضی القضاة أفضل‌الدین أحمد بن عبد اللطیف التبریزی و هو البحر الغزیرُ أدباً و الحبرُ التحریرُ کلاماً و مذهباً فضلاً عن سائر العلوم، أرسله إلى «مرد»^(۱) للخدمة، و كان يعرض بذکره^(۲) أثناء إبداء عذره^(۳)، و بورود نتائج فکره^(۴) و قد ضمنها ثلاثة آلاف دینار لیظهر الافتخار به - فی الوقت الذي كان قد أرسل إلى خدمة صدر سعید الدین خجندی...» (فرج، ۲۰۰۰: ۱۱). وی در پاورقی توضیحاتی درباره مرد و مرجع ضمیرهای غایب ذکر کرده است. مترجم در پاورقی توضیح می‌دهد که مرد نام شهری بین تبریز و نهر ارس است. همچنین برای رفع ابهام ضمائر توضیح می‌دهد که در کلمه بذکره مقصود ذکر زین‌الدین، در عذره ضمیر «ه» به قاضی القضاة و در فکره به زین‌العابدین برمی‌گردد. اما نکته قابل توجه در این ترجمه شفاف‌سازی یا عدم شفاف‌سازی آن نیست؛ بلکه اشکالاتی در گزینش برابرنها و ساختار ترجمه وجود دارد.

ترجمه پیشنهادی: کما أرسل الصدر سعید جمال‌الدین خجندی سقی الله عهده فی جواب رسالة باللغة العربیة کان قد أرسلها إليه قاضی القضاة افضل‌الدین احمد بن عبد اللطیف التبریزی و هو البحر الغزیرُ أدباً و الحبرُ التحریرُ کلاماً و مذهباً فضلاً عن سائر العلوم بمرد

فی إبداء عذره، أنه يعرض بذكره و يفتخر بنتائج فكره عندما زار سعيد صدر الدين خجندی بأصبهان؛ وقد ضمنها ثلاثة آلاف دينار...

در آثار مصنوع و فنی، دیباچه اثر نسبت به سایر قسمت‌های کتاب از پیچیدگی و ابهام بیشتری برخوردار است. مرزبان‌نامه نیز از این قاعده مستثنا نیست و دیباچه آن نسبت به ۹ باب متن کتاب دشوارتر و دیریاب‌تر است. از این رو، در ترجمه عربی مرزبان‌نامه، بیشترین شفاف‌سازی از سوی مترجم در ترجمه دیباچه صورت گرفته است؛ مثلاً وی در ترجمه عبارت «یک دو جزء از این اجزاء در مطالعه این طایفه می‌آوردم» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۰) می‌نویسد: «و کنت أعرض علی أسمع هذه الطائفة جزءاً أو جزأین من هذه الأجزاء»^(۲) (فرج، ۲۰۰۰: ۱۹)، سپس برای روشن‌تر شدن معنا در پاورقی ضمن توضیحی بیان می‌کند که منظور از هذه الأجزاء، اجزاء کتاب است.

ترجمه پیشنهادی: کنت أعرض جزءاً أو جزئین من هذه الأجزاء فی تعريف هذه الطائفة. از اوایل قرن ششم هجری و در ادامه مراحل کمال نثر فنی، درج و تضمین شعر در آثار منثور فارسی به تقلید از نثر عربی رواج یافت. «شیوه متداول در این مورد آن بود که نویسنده، مصاربع و ابیات شعری را برای بیان قسمتی از معنی که می‌بایست به نثر نوشته شود به رشته عبارت می‌کشید و در آن چنان با مهارت جای می‌داد که تفکیک این دو، نه تنها در زیبایی ظاهری کلام اثر می‌گذاشت؛ بلکه تسلسل و توالی معانی را نیز از هم می‌گسیخت» (خطیبی، ۱۳۹۰: ۲۱۱). «وراوینی» نیز برای بیان مطلب و آراستگی کلام از شواهد شعری مدد جسته است. «یوسف عبدالفتاح فرج» شواهد شعری را به نثر برگردانده و در پاورقی، گاه شعر فارسی را نقل کرده و گاه با ذکر نام شاعر و مطلع شعر، خواننده را به اصل شعر ارجاع داده است؛ از این نمونه است: «نه پیش من دواوین بود و دفتر / نه عیسی را عقاقیرست و هاون» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۲۴) در ترجمه این شعر آمده است: «لَم یکن أمَامی دفتر أو دواوین مثل عیسی لاعقاقیر و لا هاون»^(۱) (فرج، ۲۰۰۰: ۱۷). مترجم در پاورقی

توضیح می‌دهد که این عبارت ترجمه شعری از خاقانی و برگرفته‌شده از قصیده «درشکایت و عزلت و تخلّص به مدح پیغمبر اکرم» است و مخاطب را به دیوان خاقانی تصحیح ضیاء الدین سجادی صفحه ۳۱۷ ارجاع داده که این عمل مترجم در راستای تبیین مطلب عملی نیک است، اما مترجم در ترجمه این بیت شعر به گونه‌ای رفتار کرده که دو مصرع را در قالب یک جمله آورده در حالی که این دو مصرع دو جمله جداگانه هستند که ترجمه مصرع اول آن چنین است:

لم یکن عندی (لدی) دفتر و دواوینُ لم یکن لعیسی عقاقیر و هواوین

گاهی مترجم در متن ترجمه بدین گونه شفاف‌سازی کرده که در اصل متن را ترجمه آزاد و غیر امانت‌دار کرده و آنگاه در پاورقی ترجمه تحت‌اللفظی و کلمه به کلمه آن را می‌آورد. در عبارت «روز دیگر که شاه سیارات علم بر بام این طارم چهارم زد» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۴۳)؛ شاه سیارات استعاره از خورشید است و مترجم در ترجمه، واژه شمس را جایگزین آن کرده است: «و فی الیوم التالی الذی خرجت فیهِ الشمس^(۱) الأعلام الخفاقة علی سقف السماء الرابعه» (فرج، ۲۰۰۰: ۲۹)، اما در پاورقی توضیح می‌دهد که ترجمه لفظ به لفظ عبارت فارسی «ملک النجوم السیارة» است و آن کنایه از خورشید است.

ترجمه پیشنهادی: و فی الیوم التالی الذی نصبت ملک السیارات علمه علی سطح السماء الرابعه.

شیوه دیگری که مترجم برای شفاف‌سازی پیش گرفته و کمتر از آن استفاده کرده است، توضیح در متن و داخل پرانتز است مانند: «و روی ارم که از دیده نامحرمان در نقاب تواریست معاینه مشاهدت کند» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۴۵۹). مترجم در ترجمه خود هم معادل انتخابی خود و هم ترجمه لفظ به لفظ را می‌آورد: «و یعاین فیها وجه ارم التی هی فی نقاب

الخفاء من نظر الأجانب (غیر محارم)» (فرج، ۲۰۰۰: ۲۷۶). همچنین ترجمه جمله «تا شاه بداند که از دانشوران کدام پایه دارد» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۴۳) که مترجم برای زدودن ابهام جمله مرجع ضمیر را نیز در داخل پرانتز ذکر می‌کند: «حتی يعلم الملك أين موقعه (الأمير) بين العلماء» (فرج، ۲۰۰۰: ۲۸)؛ براساس نظریه برمن این عمل مترجم شایسته نیست و از عیوب ترجمه به شمار می‌آید.

۳-۳. اطناب

شفاف‌سازی توضیحاتی خارج از متن است که با هدف ابهام‌زدایی از معنا انجام می‌گیرد، اما اطناب «اضافاتی است که چیزی به متن نمی‌افزاید و تنها حجم خام متن را افزایش می‌دهد، بی‌آنکه به بار معنایی و گفتاری متن بیفزاید. هر ترجمه‌ای به این گرایش دارد که از متن اصلی طولانی‌تر باشد و این نتیجه دو گرایش اول [عقلایی‌سازی و شفاف‌سازی] است» (احمدی، ۱۳۹۰: ۷). «برمن» نیز بر این نکته واقف است که هر ترجمه‌ای از متن اصلی خود طولانی‌تر است. او این اطناب کلام را حاصل دو فرآیند عقلایی‌سازی و شفاف‌سازی می‌داند و معتقد است که مترجم ایده «فشرده» متن مبدأ را باز می‌کند و این کار را «تهی‌شدگی» می‌نامد که تأثیری در غنا بخشیدن به جان کلام ندارد. از این رو، بر آن جمله معروف خود که «افزوده هیچ نمی‌افزاید» تأکید می‌کند و افزوده را صسته‌نهارفأ در راستای انباشته کردن حجم متن و بی‌ثمر می‌داند. به اعتقاد «برمن»، اطناب کلام پایه زبان‌شناختی ندارد و گرایشی لاینفک از ترجمه شده است (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۴-۳).

در ترجمه عربی مرزبان‌نامه، موارد بسیار اندکی از اطناب را از سوی مترجم می‌توان مشاهده کرد و گاه مترجم به جای اطناب به کاهش متن روی آورده است؛ چراکه اطناب یکی از ارکان اصلی و مهم‌ترین ویژگی‌های نثر فنی و مصنوع به‌شمار می‌آید و آن را از

انواع دیگر نشر متمایز می‌سازد و به آن امکان می‌دهد تا دیگر ویژگی‌های نشر فنی را پذیرا باشد. در نشر فنی، اطناب به گونه‌ای است که نویسنده می‌تواند موجز بنویسد و نمی‌نویسد. برخلاف نشر ساده در نشر مصنوع جمله‌ها در عرض یکدیگر قرار دارند به نحوی که در بسیاری از مواقع می‌توان بخشی از مطلب را حذف کرد، بی‌آنکه به اصل موضوع خللی وارد شود. با همه این توضیحات، موارد اندکی از اطناب در ترجمه «یوسف عبدالفتاح فرج» مشاهده می‌شود؛ مانند: «مرغان بر پنجره اغصانش چون نسر» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۲۷۸) که در ترجمه آن آمده است: «وقد سکنت الطيور على أطراف أغصانها هادئة البال كالنسر» (فرج، ۲۰۰۰: ۱۷۱)؛ مترجم واژه‌های «سکنت» و «هادئة البال» را به ترجمه خود افزوده و با این کار هم به عقلایی‌سازی و هم به اطناب روی آورده است. ترجمه پیشنهادی: الطيور على نافذة أغصانها كالنسر.

همان‌طور که پیش از این بیان شد در نشر فنی نویسنده برای بیان معنی، کوتاه‌ترین راه را انتخاب نمی‌کند، بلکه خواننده را همراه خود از راهی طویل پیش می‌برد تا در این مسیر، مجال آن داشته باشد که او را با مناظر گوناگون و زیبایی آشناسازد؛ یعنی با آوردن الفاظ، لغات، ترکیبات و تعییرات بسیار در پی بیان مفاهیم و معانی اندک است. آوردن مترادفات پی در پی از ویژگی‌های نشر فنی است، اما گاه نویسنده در نشر فنی، کلام را بدون اطاله بیان می‌کند؛ مانند: «شاه پیلان را از شنیدن این حکایت سلسله بی‌صبری در درون بجنید» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۴۶۰). مترجم در ترجمه این عبارت به یکسان‌سازی روی آورده و برای یک دست کردن متن به ذکر مترادفات پرداخته است: «فتحرکت بواعث عدم الصبر و القلق فی دواخل ملک الفیلة من سماع هذه الحکایة» (فرج، ۲۰۰۰: ۲۷۶). هرچند مترجمان معمولاً گرایش به تفسیر بیشتر از زبان مبدأ دارند، اما باید توجه داشت این امر باعث تحریف متن اصلی نشود؛ چراکه مترجم با این اطناب از تأثیر بلاغت ایجاز گونه کلام

کاسته است. این قبیل اضافات، تنها حجم خام متن را می‌افزاید، بی‌آنکه بار معنایی و گفتاری به متن بیخشد.

ترجمه پیشنهادی: تحرکت سلسله الفزع فی نفس ملک الفیلة من سماع هذه الحکایة.

۳-۴. غنازدایی کیفی

در این گرایش ترجمه‌ای، جای اصطلاحات، بیان‌ها و عبارات متن اصلی را اصطلاحات، بیان‌ها و عباراتی می‌گیرند که فاقد غنای آوایی و معنایی و حتی «تصویری» این عناصر در متن اصلی هستند (احمدی، ۱۳۹۲: ۸). تحریفی که «برمن» از آن سخن می‌گوید، شاید یکی از سخت‌ترین مسائل موجود در عمل ترجمه و یکی از دشوارترین کارهای هر مترجم باشد. هر زبانی با توجه به ساختار و کلمات و آواهای موجود در آن، کلمات و بازی‌های کلامی ویژه‌ای با بار معنایی و تصویرسازی خاص خود دارد و برگرداندن آن‌ها غالباً بسیار دشوار است. شاید گاهی بتوان با شباهت‌های آوایی آن‌ها مانور داد، اما همواره چنین شانس وجود ندارد (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۴).

در ترجمه عربی مرزبان‌نامه عبارات فراوانی را می‌توان یافت که بر اساس این مؤلفه قابل نقد و بررسی است؛ مانند: «و اگر دیگر باره گرفتار آیم و چرخ چنبری بار دیگر این رسن را به چنبر گردن من برآرد، همین حالت باشد که اکنون هست» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۳۵۲) که مترجم آن را به صورت «ولو صرت أسیراً مرة أخرى و شُنقت فهذه الحالة هی الکائنة الآن» (فرج، ۲۰۰۰: ۲۱۶) ترجمه کرده است. مترجم عبارت چرخ چنبری بار دیگر این رسن را به چنبر گردن من برآرد را در کلمه شُنقت خلاصه کرده و با این کار سبب شده تا چرخ چنبری که استعاره از آسمان است و چنبر گردن که اضافه تشبیهی است در ترجمه منتقل نشوند و به تبع آن واج‌آرایی عبارت که متن اصلی را آهنگین ساخته و تصویرسازی‌های صورت گرفته - که از ویژگی‌های نثر فنی است - در ترجمه از بین برود.

ترجمه پیشنهادی: وَ إِن أُوسِرَ مَرَّةً أُخْرَى، وَتَجَعَلَ السَّمَاءُ نِيرَ الْإِسَارَةِ فِي (/ عَلَى) عُنُقِي؛ تَكُنُ الْحَالَةُ كَمَا هِيَ الْآنَ.

همان‌طور که در ابتدای این بحث آمد به اعتقاد «برمن»، جایگزین کردن عبارات و کلمات با اصطلاحات و کلماتی که از لحاظ غنای معنایی در خور متن مبدأ نیست، تحریف متن به شمار می‌آید که باعث ارائه ندادن تصویرسازی دقیق از متن زبان مبدأ می‌شود. از جمله این عبارت: «همان زمان میان طلب دربستم و ننشستم تا آن گنج‌خانه دولت را بدست آوردم» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۲۱) که در ترجمه آن آمده است: «و قرنت بین الزمن و بلوغ الهدف، و لم استرح حتى أتيت بيت كنز الثروة إلى يدي» (فرج، ۲۰۰۰: ۱۶)؛ میان طلب دربردارنده اضافه‌ای استعاری است و درستن میان طلب عبارتی کنایی است که به همراه گنج‌خانه دولت که اضافه تشبیهی است در ترجمه حذف شده است. مترجم به جای واژه دولت که به معنای اقبال و سعادت است از تعبیر كنز الثروة استفاده کرده است. کلمات انتخاب شده بار معنایی عبارات متن اصلی را ندارند و آهنگ کلام به خاطر سجع موجود بین دربستم، ننشستم و آوردم نیز در ترجمه از بین رفته است.

ترجمه پیشنهادی: فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ شَدَّدْتُ حِزَامَ الطَّلَبِ، وَلَمْ أُسْتَرِحْ حَتَّى حَصَلْتُ عَلَيَّ خَزَانَةَ الدَّوْلَةِ.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۳-۵. غنازدایی کمی

غنازدایی کمی عبارت است از تخریب (کاهش) واژگانی تدریجی که به بافت واژگانی اثر آسیب می‌رساند. مترجم برای چند واژه فقط یک معادل ارائه می‌دهد. این تخریب تدریجی حتی می‌تواند با افزایش کمیّت یا حجم خام متن یا با تطویل همزیستی داشته باشد (احمدی، ۱۳۹۲: ۹). «برمن» معتقد است که گاهی برای یک مدلول، چندین دال وجود دارد و انتخاب یک دال به «غنازدایی کمی» منجر می‌شود (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۴). در واقع

در این نوع تحریف، سخن از هدر رفتن واژگانی است. نمونه‌هایی از غنازدایی کمی را می‌توان در عبارات زیر مشاهده کرد:

در عبارت «به هزار فریاد و عویل لقمه‌ای بستانی» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۳۵۶) فریاد و عویل به عنوان دو مترادف و عویل به معنای فریاد و آواز بلند ذکر شده است که مترجم واژه صرخات را به عنوان معادل هر دو واژه ذکر کرده است؛ «وتأخذ لقمه مصحوبة بآلاف الصرخات» (فرج، ۲۰۰۰: ۲۱۸) در این معادل‌یابی علاوه بر آنکه به جای دو واژه فریاد و عویل یک واژه آورده شده، مترجم در آوردن همین یک واژه هم دچار اشتباه شده و کلمه الصرخات را به عنوان تمیز آلاف آورده که باید مفرد باشد.

ترجمه پیشنهادی: و تکسبُ (أنتَ) لقمَةً بآلاف صرخةٍ و عواءٍ.

گاهی مترجم در انتخاب معادل برای لفظ اصلی به بیراهه رفته و با این کار به بافت واژگانی اثر آسیب رسانده است؛ مانند ترجمه عبارت «امیرخاقانی که خاقان اکبر بود بر خیل فصحاء زمانه و در آن میدان که او سه طفل بنان را بر نی پاره سوار کردی، قصب السبق براعت از همه برودی» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۱۶). در این عبارت، نویسنده انگستانی که قلم با آن‌ها گرفته می‌شود به سه طفل تشبیه کرده که سوار بر نی شده‌اند، اما مترجم این اضافه تشبیه را در نیافته و به اشتباه آن را این گونه ترجمه کرده است: «الأمیر خاقانی، الذی کان الخاقان الأكبر علی خیل فصحاء أهل زمانه و کان فی ذلک المیدان ثلاثة أطفال یمسکون بینانهم قطعة من الغاب و یرکبونها فخطف منهم جمیعاً» (فرج، ۲۰۰۰: ۱۳)؛ از این ترجمه کاملاً برمی‌آید که مترجم با ساختار زبان فارسی و شیوه‌های تصویرپردازی در آن آشنایی کافی نداشته تا بتواند آن را در ترجمه خود بازتاب دهد.

ترجمه پیشنهادی: کان الأمير خاقانی - الذی کان الخاقان الأكبر علی خیل الفصحاء فی زمانه - وفی تلك الساحة (ساحة الفصاحة) قد سبقهم علی قصب السبق فی البراعة برکوب أطفال أصابعه الثلاث علی قطعةٍ من النای.

۳-۶. تخریب ضرباهنگ کلام

این گرایش عبارت است از تغییر نواخت‌های متنی. این نوع تغییر «مثلاً با هدف قرار دادن علائم نقطه‌گذاری، می‌تواند به نحو قابل توجهی بر ضرباهنگ‌های جمله اثر بگذارد» (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۰). «برمن» معتقد است که رمان و مقالات ادبی به نوعی همانند شعر، دارای ضرب‌آهنگ است. وی در این خصوص بیشترین توجه را به نشانه‌گذاری^۱ معطوف می‌دارد و بر این باور است که نادیده گرفتن نشانه‌گذاری، باعث تغییر در ضرب‌آهنگ و تحریف متن می‌شود، اما از آنجا که نشانه‌گذاری در زبان فارسی و به‌ویژه در متون قدیمی، متداول نبوده و به پیروی از نوشته‌های غربی به‌ویژه زبان انگلیسی و فرانسه، وارد زبان فارسی شده است، موارد معدودی از تخریب ضرباهنگ کلام در ترجمه مرزبان‌نامه دیده می‌شود.

«وراوینی» در عبارت «شیر را دو شگال زیرک طبع نیکو محضر پسندیده منظر ندیم و انیس بود» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۲۸۰) با اضافه کردن صفات مرکب به یکدیگر و ایجاد تنابع اضافات نوعی ضرباهنگ به کلام بخشیده و آن را آهنگین ساخته است، اما «فرج» با گذاشتن ویرگول در ترجمه این ضرباهنگ را از بین برده است: «و کان للأسد ندیمان و أنیسان من بنی آوی، ذکیا الطبع، خیراً المحضر، بهیاً المنظر» (فرج، ۲۰۰۰: ۱۷۲). اگر به این بخش از ترجمه نگاهی منصفانه داشته باشیم، شاید بتوان کار مترجم را در استفاده از

ویرگول در بین صفت‌های مرکب متن اصلی که به هم اضافه شده‌اند، چنین توجیه کرد که این امر به اختلاف ساختاری دو زبان مبدأ (زبان فارسی) و زبان مقصد (زبان عربی) برمی‌گردد، اما ترجمه «فرج» از جمله فوق از جنبه‌های دیگر قابل نقد است. به عنوان مثال، در صرف عربی اسم‌های مرکبی که جزء اول آن‌ها «ابن» و یا «ذو» هستند هنگام جمع بسته شدن، جمع سالم مؤنث بسته می‌شوند؛ بنابراین، کاربرد «بنی آوی» کاملاً اشتباه است. ترجمه پیشنهادی: وکان ابنا آوی داهیا الطبع، حسنا المحضر، جمیلا المنظر ندیمی الأسد و أنیسیه.

گاهی غنازدایی کیفی و تخریب ضرباهنگ کلام در ترجمه هر دو با هم صورت گرفته است. نمونه‌ای از آن را می‌توان در ترجمه «هر دو به مزید قربت از دیگر خواص خدم مرتبه تقدّم یافته و مشیر و محرم اسرار مملکت گشته» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۲۸۱) مشاهده کرد. در ترجمه این عبارت آمده است: «و قد نال کلاهما - دون سائر خواص الملك من الخدم مرتبة التقدّم، وصارا مستشارین له ومحرمی أسرار المملکة» (فرج، ۲۰۰۰: ۱۷۲). مترجم با گذاشتن ویرگول و جدا کردن دو جمله از هم و انتخاب واژه‌های تقدم و مملکة سجع و ارتباط موسیقایی بین دو جمله را در ترجمه منتقل نکرده است. ضمن آنکه عبارت به «مزید قربت» هم در متن مترجم آورده نشده است. ترجمه پیشنهادی: قد سبق کلاهما بفضل التقرب إلى مرتبة التقدّم، دون سائر الخدم المقربین، وصارا له مستشارین و لأسرار المملکة کاتمین.

۳-۷. تخریب سیستم زبانی

رویکرد تخریب سیستم زبانی بیشتر جنبه دستوری دارد و نوع جملات، ترکیبات به کار رفته و زمان افعال را در برمی‌گیرد. «برمن» معتقد است «عقلایی سازی»، «شفاف سازی» و «اطناب کلام» سیستم زبانی را به هم می‌ریزد و باعث می‌شود که متن ترجمه شده، همگون‌تر از

متن اصلی و در عین حال، «نامنجم‌تر، بی‌ثبات‌تر و ناهمگون‌تر» از آن باشد (مهدی‌پرور، ۱۳۸۹: ۶۲).

یکی از شاخصه‌های نثر مصنوع و فنی استفاده از شواهد شعری در میان نثر است. در اکثر موارد مترجم این شواهد شعری را به نثر درآورده و گاهی در پاورقی شعر فارسی را ذکر کرده و توضیح داده است که این بخش از متن ترجمه این شعر است. تبدیل شعر به نثر تغییر جملات و ترکیبات را در پی دارد؛ مانند «اندرین بحر بی کرانه چو گوک / دست و پای بزن چه دانی، بوک» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۳۵۳) که در ترجمه آن آمده است: «اضرب بیدک و قدمک کالضفدعة فی هذا البحر الذی لاساحل له فأی علم لک بالفقز؟» (فرج، ۲۰۰۰: ۲۱۶)؛ «بوک» در متن اصلی مخفف «بود که» است و معنای شعر این است که در این دریای ناپیدا کرانه چون وزغ سخت به تکاپو باش، باشد که نجاتی دست دهد. مترجم ضمن اینکه شعر را به نثر درآورده و این امر غنازدایی کیفی را در پی دارد در ترجمه دست و پای بزن که فعلی است، مرکب و کنایه از تلاش و کوشش کردن است، دچار اشتباه شده و چنان که در ادامه خواهد آمد در این بخش از ترجمه تخریب اصطلاح نیز صورت گرفته است.

ترجمه پیشنهادی: فی هذا البحر الذی لا ساحل له شمّر بیدک و رجلیک کالضفدعة، وما یدریک لعله یُمكن.

۳-۸. تخریب اصطلاحات

از آنجا که «برمن» همواره بر اجتناب از مقدّس‌شماری زبان مقصد (زبان مادری) تأکید دارد و معتقد است که باید فرهنگ مقصد را به سوی فرهنگ مبدأ برد و نیز بر عقیده «شیلر مارش» تأکید دارد که باید «خواننده را به سوی نویسنده» برد نه برعکس با جایگزین

کردن اصطلاحات متن مبدأ با معادل آن در زبان مقصد مخالفت می‌کند و آن را ضربه‌ای بر غنا و جان کلام اثر می‌داند. «برمن می‌گوید هر نثری «آکنده از ایماژها، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها و... است» و ترجمه آن‌ها به معنای یافتن معادلاتی در زبان مقصد نیست و معادل اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها را جایگزین مناسبی برای آن‌ها نمی‌داند. البته باید گفت با توجه به تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی و گفتمانی زبان‌ها، پایبند بودن به این عقیده «برمن» بسیار دشوار می‌نماید» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۶۳).

نمونه‌ای از تخریب اصطلاحات را می‌توان در ترجمه «غلام گفت: چه خواهید کرد؟ گفتند: بر در پادشاهی خواهیم زد که این شهر را از دیوان قدم نو به اقطاع او داده‌اند» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۱۰۷) مشاهده کرد. در این بخش از متن اصلی مترجم مراد از «چه خواهید کرد» را دریافته و به اشتباه معادل آن را فعل «می‌خواهید» (تریدون) آورده است. بخش اصلی تخریب اصطلاحات در این قسمت مربوط به عبارت «بر در پادشاهی خواهیم زد» است که این عبارت به معنای پنج نوبت بر در گاه شاهی می‌زنیم؛ در قدیم رسم بوده است که به نشان پادشاهی بر در گاه شاه در پنج گاه نماز نهاره می‌زدند. این اصطلاح در متون کهن فارسی به طور مکرر به کار رفته است. مترجم با این اصطلاح آشنایی نداشته و در ترجمه عبارت یادشده می‌آورد: «فقال الغلام: ماذا تریدون؟ قالوا: نرید أن نقیم علی عرش المملكة السلطان الذی أقطع هذه المدينة من دیوان قدم البركة» (فرج، ۲۰۰۰: ۶۹). همچنین نو در متن فارسی قید زمان و به معنای تازگی است که مترجم با حذف آن باعث غنازدایی کیفی متن شده و علاوه بر این‌ها «فرج» واژه «قدم» که به معنای قدیم است را به اشتباه «قدم» خوانده است.

ترجمه پیشنهادی: قال الغلام: ماذا ستفعلون؟ قالوا: نطبلُ و ننفخ فی الناقر خمس مرّات علی باب هذا السلطان الذی أقطعوه هذه المدينة من دیوان القدم جدیداً.

۳-۹. خطاهای ترجمه

با بررسی «قصص الأمير مرزبان علی لسان الحيوان» مواردی از خطا و اشتباه نیز در این ترجمه مشاهده شد که در هیچ‌یک از بخش‌های نظریه «برمن» نمی‌گنجد و با هیچ‌کدام از مؤلفه‌های نظریه او هم‌خوانی و انطباق ندارد. در ادامه به برخی از این خطاها اشاره خواهد شد.

نخستین نمونه چنین اشتباهاتی در بیت «بنشست و هزارگونه باد اندر سر / سودای هزار کيقباد اندر سر» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۱۱۰) است. در این بیت، «باد» استعاره از نخوت و غرور و خودبینی است و مصراع نخست؛ یعنی با غرور و نخوت بسیار بر تخت برآمد، اما مترجم این معنای استعاری را دریافته و آن را این‌گونه ترجمه کرده است: «فجلس و فی رأسه ألف فكرة مختلفة و آلاف أحلام لکيقباد فی عقله» (فرج، ۲۰۰۰: ۷۱).

ترجمه پیشنهادی: جلس [علی العرش] و فی رأسه ألف ریح من الکبر و الخیلاء / و فی دماغه أحلام ألف سلطان (کيقباد).

همچنین در ترجمه عبارت «چندان بخور عود و عنبر بسوختند که بخارش ازین هفت مجمره گردون بیرون شد» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۱۱۰) مترجم طبقات الفلک السبعة را جایگزین هفت مجمره گردون کرده است: «و أشعلوا عدداً من عیدان البخور و العنبر التی تجاوزت رائجتها طبقات الفلک السبعة» (فرج، ۲۰۰۰: ۷۱)؛ واژه مجمره در لغت به معنای عودسوز و آتشدان آمده و شاعر در این بیت هفت مجمره گردون را استعاره از هفت سیاره آورده است که مترجم به اشتباه آن را هفت طبقه آسمان فرض کرده است.

ترجمه پیشنهادی: ربما أشعلوا / أحرقوا البخور و العنبر حتی تجاوز الشذی مجمر کواکب السماء السبعة.

بیشترین اشتباهات در ترجمه عبارات کنایی و استعاری صورت گرفته است؛ مانند: «و اگر مانی به نگارخانه او رسد، از رشک انگشت را قلم کند و سرشک معصفری بر سفیداب و لاجورد او ریختن گیرد» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۱۰۹). در عبارت یادشده قلم کردن کنایه از بریدن و چیدن است و سفیداب به معنای کربنات سرب یا ماده مرکبی است که در نقاشی به کار می‌رود و گیرد به معنای آغاز کند به کار رفته است. در جمله پایانی این عبارت یعنی: «بر نقش‌های رنگین آن اشک سرخ باریدن آغاز کند» به نظر می‌رسد که مترجم معنای این عبارت را به درستی در نیافته و بخشی از آن را حذف و آن را این گونه ترجمه کرده است: «إن وصل مانی إلی معرضه لعرض علی بنان قلمه غیظاً وانسابت الدموع المعصفرة علی وجهه الشاحب» (فرج، ۲۰۰۰: ۷۰).

ترجمه پیشنهادی: «إن جاء مانی بیته المنقش، قطع إصبغه حسداً، وبدأ یذرف العبرات المعصفرة علی بیاضها وسوادها.

یکی از ویژگی‌های متون کهن و پیشین کاربرد واژه‌ها در این متون، در معنایی خاص و متفاوت با زمان کنونی است. «مگر» یکی از این واژه‌ها است که در گذشته قید تأکید بوده و به معنای همانا به کار می‌رفته است: «مگر دانست که ابناء روزگار همه در لباس تلوینِ نفاق صفتِ دورنگی دارند» (وراوینی، ۱۳۸۶: ۱۰۱) که عدم آگاهی مترجم از این موضوع سبب شده تا این عبارت را به صورت «ولعله کان یعلم أن أبناء الزمان جميعاً قد اتخذوا صفة اللونین فی لباس تلوین النفاق» (فرج، ۲۰۰۰: ۶۶) ترجمه کند و لعل را به عنوان جایگزین «مگر» بیاورد.

ترجمه پیشنهادی: قد علم أن أبناء الدهر لهم جميعاً صفة المداجاة فی لباس الختل الملون.

نتیجه‌گیری

ترجمه متون ادبی، سخت‌ترین نوع ترجمه است؛ زیرا در متون ادبی برخلاف دیگر متون تنها محتوا از اهمیت برخوردار نیست، بلکه قالب متن نسبت به محتوا در اولویت قرار دارد. از این رو، مترجم یک متن ادبی باید به بار معنایی لغات و زمینه فرهنگی و خصوصیات دیگر متن اصلی توجه زیادی داشته باشد تا بتواند ترجمه قابل قبولی در زبان مقصد ارائه کند. نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه «آنتوان برمن» ظرفیت قابل توجهی در بررسی ترجمه متون ادبی دارد و بر پایه آن می‌توان نحوه عملکرد مترجمان را به صورت روش‌مند مورد ارزیابی و سنجش قرار داد تا از این رهگذر به نقاط قوت و ضعف یک ترجمه دست یافت و با توجه به ظرفیتی که این نظریه دارد در پرتو آن می‌توان بیشتر محورهایی را که مترجم با آن در ارتباط است، مورد نقد و تحلیل قرار داد.

از آنجا که «برمن» نظریه‌پردازی مبدأگرا است با استفاده از نظریه او در نقد ترجمه می‌توان میزان وفاداری مترجم را به متن مبدأ مورد بررسی قرار داد. به ویژه مترجمان متون ادبی که حتی الامکان باید به متن مبدأ وفادار باشند و با پذیرش متن بیگانه به انتقال صحیح زبان، سبک و محتوای آن مبادرت ورزند.

در این جستار «قصص الأمير المرزبان علی لسان الحيوان» ترجمه عربی مرزبان‌نامه بر پایه نظریه ریخت‌شکنانه «برمن» که کارآمدترین مؤلفه‌ها را برای نقد ترجمه متون ادبی دارد، مورد بررسی قرار گرفت. از میان ۱۲ مؤلفه این نظریه، ۹ مؤلفه قابلیت انطباق بر متن مذکور را داشت. با توجه به اینکه مرزبان‌نامه یکی از برجسته‌ترین آثار نثر فنی به‌شمار می‌آید و آراسته به صنایع لفظی و معنوی و اشعار تازی و پارسی است از میان عوامل تحریف متن دو مؤلفه غنازدایی کمی و کیفی در ترجمه عربی آن از بسامد بیشتری برخوردار است و تخریب ضرباهنگ کلام چندان به چشم نمی‌خورد؛ زیرا نشانه‌گذاری در متون کهن فارسی چندان مرسوم و متداول نبوده است.

ناگفته نماند که موارد فراوانی از خطاها و اشتباهات نیز در ترجمه «عبدالفتاح فرج» دیده می‌شود که درخصوص این اشتباهات «برمن» بر این باور است که مترجم در چنین مواردی مجاز به خطا و اشتباه نیست و باید پای‌بند به سبک و محتوای متن مبدأ باشد. علت اصلی انحراف مترجم از متن اصلی را باید در نوع متن مبدأ؛ یعنی مرزبان‌نامه دانست. بعد ادبی متن، بیان معنا از طولانی‌ترین راه، چینش کلمات، انسجام و پیوستگی آن‌ها در خلق معنی و وفور صنایع لفظی و معنوی کلام، ترجمه مرزبان‌نامه را برای «فرج» که تسلط کامل بر زبان فارسی ندارد، دشوار ساخته است و خطاها و انحراف‌های صورت گرفته بیشتر در قسمت‌هایی است که ویژگی‌های نثر فنی در آن‌ها برجسته‌تر است؛ به‌ویژه در دیباچه کتاب و شروع هر باب. بر این اساس می‌توان گفت ترجمه متون کهنی چون مرزبان‌نامه تسلط هرچه بیشتر مترجم بر زبان فارسی و لزوم مراجعه مترجم را به شرح‌های نوشته شده بر اثر و دریافت و درک عمیق هرچه بیشتر متن مبدأ را می‌طلبد.

منابع

- احمدی، محمد رحیم. (۱۳۹۲). «آنتوان برمن و نظریه گرایش‌های ریخت‌شکناهی؛ معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه». *نقد زبان و ادبیات خارجی*. د ۶. ش ۱۰. صص ۱۹-۱.
- حاکمی، اسماعیل. (۱۳۶۴). *گزیده‌ای از تثرهای مصنوع و مزین*. تهران: دانشگاه تهران.
- حقانی، نادر. (۱۳۸۶). *نظرها و نظریه‌های ترجمه*. تهران: امیرکبیر.
- خطیبی، حسین. (۱۳۹۰). *فن نثر در ادب پارسی*. چ ۴. تهران: زوآر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۴۷). *تاریخ ادبیات در ایران*. چ ۴. تهران: ابن‌سینا.
- _____ (۱۳۵۳). *مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر فارسی*. تهران: امیرکبیر.

- صفوی، کورش. (۱۳۷۱). **هفت گفتار درباره ترجمه**. چ ۹. تهران: نشر مرکز.
- صلح‌جو، علی. (۱۳۷۶). **بحثی در مبانی ترجمه (مجموعه مقالات درباره ترجمه زیر نظر نصرالله پورجوادی)**. چ ۴. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- الفاخوری، حنا. (۱۳۸۳). **تاریخ ادبیات زبان عربی از عصر جاهلی تا قرن معاصر**. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: توس.
- فرج، یوسف عبدالفتاح. (۲۰۰۰). **قصص الأمير مرزبان علی لسان الحيوان**. مصر: مجلس الأعلى للثقافة.
- کریمیان، فرزانه و منصوره اصلانی. (۱۳۹۰). «نقش وفاداری به یک نویسنده در ترجمه (بررسی مقابله‌ای ترجمه‌های قاسم روبین از آثار مارگارت دوراس)». **فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه**. س ۴۴. ش ۳. صص ۱۱۹-۱۳۶.
- لطافتی، رؤیا و ارژنگ صرافان چهارسوقی. (۱۳۸۸). **نظریه‌های ترجمه (مسائل ترجمه متون ادبی از فارسی به فرانسوی)**. تهران: انتشارات سمت.
- ماندی، جرمی. (۱۳۸۹). **درآمدی بر مطالعات ترجمه**. ترجمه الهه ستوده و فریده حق‌بین. تهران: نشر علم.
- معین، محمد. (۱۳۸۵). **فرهنگ فارسی**. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مهدی‌پرور، فاطمه. (۱۳۸۹). «نظریه بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن». **کتاب ماه ادبیات**. ش ۴۱، صص ۶۳-۵۷.
- نیومارک، پیترو. (۱۳۷۰). «تاریخ اجمالی ترجمه در غرب. ترجمه نرگس سروش». **مجله علمی فرهنگی مترجم**. ش ۳. صص ۷۰-۶۹.
- وراوینی، سعدالدین. (۱۳۸۶). **مرزبان‌نامه**. به کوشش خلیل خطیب رهبر. چ ۱۱. تهران: صفی‌علیشاه.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۴). **فنون بلاغت و صناعات ادبی**. چ ۲۳. تهران: نشر هما.

- Berman, Antoine. (1999). *La trabuccion et la lettre ou laubge du lointain*. Paris: seuil.
- Garces, Carmen Valero. (1994). A methodological proposal for the assessment of ranslated literary works: A Case study. *The scarlet letter by N Hawthorne in to Spanish Babel*. Vol 40, No 2, PP: 77 -102.
- Ladmiral, J. R. (1994). *Traduires, theorems pour latraduccion*. Glimard.
- Nida, E. (1969), *The theory of practice of translation*, Leiden. E. J. Brill.

